

چرا حامیان بخش خوب نظام ج.ا.ع.لیه نشریه سینمای آزاد خروش می کنند؟ (جواب همکاران سینمای آزاد به فحاشی رضا علامه زاده به سینمای آزاد)

چندی پیش رضا علامه زاده در وبلاگ شخصی خود مینویسد:
«جنبش سبزی که برای استقرار دموکراسی در ایران آغاز و با حمایت معنوی تمامی آزاداندیشان جهان روبرو شده ریشه‌ای‌تر از آن است که در دست «عقلای قوم» به بازی گرفته شود. چهره‌های شاخص این جنبش در ایران نیز تا کنون بر پیمان‌شان با مردم ایستاده‌اند و راهی برای رژیم اسلامی جز عقب نشینی باقی نگذاشته‌اند... من از آن دسته کسانی نیستم که باور دارند انسان‌ها تغییر نمی‌کنند و اگر کسی روزی در موضع معینی قرار داشت هرگونه تغییر موضعش را تاکتیکی یا ریاکارانه می‌دانند. اگر اینگونه بود احترام عمیقی برای آقایان میرحسین موسوی و مهدی کروبی قائل نمی‌بودم و شخصیتی چون زنده‌نام آقای منتظری را یکی از چهره‌های کمیاب تاریخ سیاسی ایران نمی‌دانستم.»

در مقابل این اظهارات، در بخش «زیر ذره بین» نشریه سینمای آزاد این نظر علامه زاده نقل و در حاشیه آن با تیتروقتی سازنده جنایت مقدس برای حافظان نظام، و بقای اصل ولایت و تلاشگران بازگشت به اندیشه امام راحل احترام عمیق قائل است!!] این دو سطر را هم افزودیم:
«البته علامه زاده پادش می‌رود از محمد خاتمی که نور ایمان را در دل او تاباند و اکبر گنجی که آرزو می‌کند فقط کمی مثل او باشد و دوست ارزشمندش محسن سازگارا هم یاد کند» ...
علت این موضع گیری سینمای آزاد در مقابل گفته های رضا علامه زاده نیز این بود که؛ جا زدن جنبش مردم ایران به نام «جنبش سبز» و تمام فداکاری های این مردم دلاور و جان بر کف را به حساب «عقلای قوم» ریختن و جنایتکارانی مانند موسوی و کروبی را که در مقطع سال های ۶۷-۱۳۶۰ از «عقلای قوم» و دست اندر کار کشتار زندانیان سیاسی و سرکوب همه جانبه مردم ایران بوده-اند را «ایستاده بر سر پیمان با مردم ایران» جا زدن و کسانی قلمداد کردن که راهی برای رژیم اسلامی جز عقب نشینی باقی نگذاشته‌اند؛ جای پاسخ دارد. و اگر چه، ما نشریه سیاسی نیستم ولی حداقل می‌توانیم در بخش زیر ذره بین اشاره-ای به اظهارات یک فیلم-ساز که زمانی «جنایت مقدس» را در نفی آدم-هائی مانند همین میرحسین موسوی-ها ساخته است بکنیم و موضع قبلی او را به خودش نیز یادآور شویم.

اما علامه زاده در برخورد با این واقعیت و این یادآوری، چنان پریشان خاطر و برآشفته شده است که ما را «بخش سینمایی کیهان تهران» می‌نامد. او در پاسخ خود، به شکر و ویژه ای دست زده است تا اولاً زشتی اظهاراتش را بپوشاند. و برای این منظور هم ضمن این که یک صفحه را با فحاشی و تهمت به سردبیر سینمای آزاد و طبعاً نویسندگان آن سیاه کرده است؛ فقط در بخش آخر و بدون این که اشاره ای مشخص به گفته-های خودش، یعنی علت واکنش سینمای آزاد بکند، طوری اظهاراتش را آورده که خواننده به درستی نفهمد که ماجرا چیست و واکنش «سینمای آزاد» بر سر اظهار این مطالب بوده، نه کلنجار رفتن با علامه زاده.

در واقع معلوم نیست علامه زاده چرا از یادآوری دوستی او با این آدم ها این قدر برآشفته می‌شود؟ آیا ما دروغ گفته ایم که او به دوستی با موجوداتی مثل؛ مخملیاف، گنجی، و سازگارا افتخار می‌کند و دوست دارد اندکی، فقط اندکی مثل «ابر انسانی» مانند آن ها باشد؟ و آیا این تهمت است که او با آن ها احساس همافکنی و یک دلی می‌کند؟ آیا ما دروغ گفته ام که در زمان نخست وزیری موسوی انسان های بسیاری را در زندان و در جامعه کشتند و سرکوب کردند؟ آیا بازگوئی این که او به موسوی، کروبی و منتظری احترام عمیق می‌گذارد تهمت و یا دروغی که ما از خودمان درآورده ایم؟ و با این که مطلب از این قرار است که او از بازگوئی جنایات این آدم های مورد احترامش به خروش و خشم می‌آید و کف بر لب می‌آورد. در واقع اصل موضوع همین است. یادآوری جنایت کسانی که او دوست شان دارد و نجات دهنده مردم ایران می‌داند رنجش می‌دهد. به همین دلیل هم، نویسندگان نشریه سینمای آزاد را که حتماً خودش هم می‌داند؛ هزار برابر امثال موسوی و کروبی و مخملیاف و غیره ضدجنایت و آدم کشی و خفقانند، به خاطر این یادآوری ها به باد فحش و فحشیت می‌گیرد. مشکل کسانی که زمانه و تاریخ را نمی‌فهمند همین است؛ فحاشی و خروش و از کوره در رفتن و سر و صدا راه انداختن در برابر بازگوئی واقعیت و توضیح مواضع انسانی. خشم در برابر کسانی که جنایت کاران را افساء و دست دوستان و مدافعان آن ها را باز می‌کنند